

ارزشهای اسلام و انقلاب را پاسداری کنیم (۱۷)

«به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان بدست آورده‌اید همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمائید.»

«وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس جمهور و رؤسای جمهور مابعد و به شورای نگهبان و شورای قضائی و دولت در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاههای خبری و مطبوعات و مجله‌ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند. و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات بر خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و از آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود.»

(ومبتنامه سیاسی الهی امام خمینی «قدس سره»)

مسئولیت حفظ و تداوم دست آوردهای معنوی و مادی انقلاب اسلامی چیزی است که بر دوش مسئولین نظام و امت فداکار همواره سنگینی می‌کند و معمار اندیشه اسلامی در پیام جاودانه خویش بر این مسئولیت برای همیشه تأکید فرموده‌اند.

پس از ارتحال حضرت امام عظیم الشان نیز مسئولین نظام حفظ دست آوردهای گرانبار

فساد و ابتذال در کجا ریشه دارد؟

شکوه علوم از حجة الاسلام محمّد تقی رهبر

انقلاب را وظیفه دانسته و بطور جدی پای آن ایستاده‌اند. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، این موضع خلل‌ناپذیر را مکرر مورد تأکید قرار داده و ضرورت برخورد جدی و قاطع با فساد و فرهنگ ابتذال و تفکر غربی را مکرراً خاطر نشان ساخته‌اند.

ریاست محترم جمهوری حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی نیز بدین متوال مواضع یاد شده را به صراحت اعلام داشته و از جمله در مسئله بدحجابی و ابتذال و بی‌تعهدی مثنی از زنان و مردان مکرر سخن گفته و از باب نمونه در دیدار یا جمعی از باتوان با تأکید

بر ضرورت رعایت اخلاق اسلامی از سوی زنان در زندگی اجتماعی گفتند:

«یکی از ضربه‌هایی که متوجه خانم‌هاست مسخره از طرف معدود زنانی بی‌بندوبار است که شاید کمتر از ۲ تا ۳ درصد زنان جامعه را تشکیل می‌دهند و اکثریت جامعه این وضع را نمی‌پذیرند...»

(اقتلاعات، ۶۹/۱/۱۶)

ایشان همچنین درباره ضرورت برخورد و مظاهر ابتذال قبلاً در یکی از خطبه‌های نماز جمعه گفته بودند:

«اگر یک پاسدار در خیابان به شما می‌گوید: خانم روسری‌تان را یک قدری محکم‌تر بگیرید، نصف این موها را بیرون نکنید، سینه‌تان را به دیگران نشان ندهید... این به نفع شما کار می‌کند. مزاحم لذت شما نیست. در زندگی خانوادگی و حلال این مزاحم شما نیست. این برای شما رحمت است و شما هستید که اشتباه می‌کنید.»

(روزنامه‌های ۶۳/۹/۲۳)

حرف سایر مسئولین نظام نیز همین است و جز این نیست... و همچنین حرف آحاد مردم... امت حزب الله و بسیجیان جان برکف که دلسوخته‌گان این انقلابند، طی راهپیمایی‌های مکرر و حضور در نماز جمعه‌ها و در برابر مجلس شورای اسلامی با ابراز تنفر و انزجار از مروجین فساد و مظاهر ابتذال از مسئولین نظام برخورد قانونی و قاطع با اینان را درخواست کرده‌اند... از جمله:

«عصر روز پنجشنبه ۱۵ آذرماه ۶۹، هزاران تن از بسیجیان و مردم نهران علیه بدحجابی و اشاعه فرهنگ مبتذل غربی در خیابانهای تهران به راهپیمایی پرداختند. در این راهپیمایی که از میدان ولی عصر (عج) آغاز و برابر مجلس شورای اسلامی خانم بافت قطعنامه‌ای فرات

شد که در آن از مسئولین خواسته شده دریاچه کردن و صیبت نامه حضرت امام (ره) جدی تر برخورد کند و برای پیاده کردن ارزشهای اسلامی کوشش بیشتری بخرج دهد و از صدا و سیما خواسته شده در تمام برنامه های خود معیارها و ارزشهای اسلامی را مد نظر قرار دهد.

(روزنامه های ۱۷/۹/۶۹)

در حاشیه این راهپیمایی دو نکته قابل توجه است:

یکی اینکه: در این راهپیمایی باشکوه هزاران تن از نیروهای کیفی و ارزشمند، حزب الله، جبهه رفته ها، جانبازان، بسیجیان، دانشجویان، طلاب علوم دینی و اقشار مختلف شرکت داشته اند که درخور اهمیت است.

دیگر آنکه: راهپیمایان قبلاً بقرار اطلاع، نامه هایی برای نمایندگان مجلس فرستاده و از آنان دعوت کرده اند که از نمایندگان، فرد یا افرادی باشند که حرف اینان را بشنوند و به مجلس منعکس کنند. اما بگفته حاضران، چون عصر پنجشنبه بوده! هیچیک از نمایندگان نبوده اند که از این عزیزان استقبال و تقدیر کنند و به تعبیر حضرت امام (ره) ولی نعمت های خود را مورد تفقد قرار دهند! در حالی که چنین انتظاری می رفت و جامعه شناسی ما چنین ایجاب می کرد...

فریاد نیروهای انقلابی برای چیست؟

حرکت حزب الله و نیروهای انقلابی که زخم های جبهه ها را بر سینه دارند و دیگر سوخته دلان این انقلاب بازتاب ابتدال روزافزونی است که مشتکی از زنان و مردان بی درد و غریزه و یا منحرف یا خاطر آسوده و بدون دلهره و دغدغه خاطر همه جا جلوه گری می کنند و احدی حق اعتراض به آنها را ندارد!

جوانان مؤمن و وفادار به انقلاب می گویند: شاید مسئولین بدرستی نمی دانند

در سطح جامعه چه می گذرد. زیرا گرچه آنها گزارشاتی می شنوند اما شنیدن مانند دیدن نیست. اگر مسئولین می توانستند به پارکها بیایند و عده ای پسر و دخترها را با چهره های جلف ببینند که در کنار یکدیگر نشسته و حرکات مشکوک آنها پرده از روی خیلی مسائل برمی دارد... اگر آقایان می توانستند به سینماها و شهر بازی ها بیایند و چهره های زنان رنگ و روغن شده را در برابر جوانان ببینند... اگر به دفاتر خصوصی، شرکتهای آژانسها و فرودگاه و سازمانهای معاملات ملکی و مطبها و بیمارستانهای خصوصی که محل تردد عموم است گذرشان می افتاد،... اگر به فروشگاههای لباس و لوکس فروشی های بالای شهر می آمدند، اگر سکرتهای رنگ و روغن شده پاره ای مدیران را حتی در پاره ای مراکز دولتی می دیدند که به احساسات دینی مردم دهن کجی می کنند و حقوق این ملت را می گیرند، اگر پاره ای از جشن های هنر و نمایش را می دیدند،... و اگر به دانشگاهها می آمدند و چهره برخی زنان و دختران دانشجویان را می دیدند، قطعاً به ما حق می دانند که فریاد کنیم و ابتدال و بدحجاب و مرفهان بی درد و غریزه گان بی تعهد را محکوم نماییم، و از اینجا به آنجا راه بیافتیم و به این و آن التماس کنیم. اینها خاری در چشم توده مردم مسلمان و انقلابی است که اکثریت قاطع این امت را تشکیل می دهند.

شهید نهی از منکر!

از سوی دیگر: بی برنامه گی بلا تکلیفی و عدم هم آهنگی و ضعف برخورد با مظاهر فساد این متظاهرين به ابتدال را گستاخ کرده تا بدانجا که در جریان یک نهی از منکر، روز روشن در پارک لاله تهران یک جوان

هفته ساله بسیجی بدست دوتن از اوباش به شهادت می رسد و بر آلام درونی دردمندان انقلاب زخمی دیگر می نهد... یکی از بزرگان در نماز جمعه، ضمن اشاره به توطئه آمریکا در ترویج فساد از طرق گوناگون و تأکید بر اینکه این توطئه از حمله نظامی خطرناکتر است گفت: «باید با این سیاست آمریکا هوشیارانه مبارزه کرد. روحانی و حزب اللهی، رهبر و دولت در صف واحد باید در مقابله با فساد بسج شوند.

چرا یک بسیجی که امر به معروف و نهی از منکر می کند باید کشته شود؟! باید مملکت عزادار شود انبه جمعه نباید آرام بنشیند. این خطرناک است که بچه باک هفده ساله که وضو گرفته، آماده نماز جمعه شود از پارک رد می شود، نهی از منکر بکند توسط دوتا اوباش کشته شود: (انا لله وانا الیه راجعون)».

هزاران جوان و نوجوان در میدانهای نبرد با دشمن خارجی و بدست منافقین ترور شدند اما شهادت هیچکدام از آنها آنقدر درد آور نبود که شهادت «ناصر ابدام» شهید نهی از منکر در پارک لاله تهران در ۳۰ شهریور ۶۹ بدست عناصر پلیس و فاسد.

نیروهای انقلابی را نگهدارید!

این حادثه نتیجه چیست؟ آیا می توان از تکرار آن مطمئن بود؟ اگر ضمن حمایت همه جانبه و تشویق از نیروهای حزب اللهی با مظاهر فساد قاطع تر برخورد می شد، اوباش دست از آستین بیرون نمی آوردند و چنین جنایتی را مرتکب نمی شدند... این عناصر بی شرم لایق آزادی نیستند و از آزادی دادن هرگز منتبه نمی شوند و به صف انقلابیون نمی پیوندند. نباید معطل اینها شد. باید جوانانی را نگهداشت که در حوادث سهمگین به کام شیران رفتند و گوهر انقلاب و عزت میهن و شرافت امت را از کام نهنگان بیرون کشیدند و استکبار را به زانو درآوردند و آمریکا

را ذلیل کردند و با کمترین زندگی ریاضت‌آمیز بزرگترین خدمت را به کشور و انقلاب نموده و توقمی جز حمایت از آرمانهای انقلاب ندارند. اینها را باید تگه‌داشت نه عناصر لجام‌گسیخته را که هرگز با اسلام و انسانیت و شرافت آشتی نخواهند کرد... و یا زمین‌خواران و دلالان دلار و اشرافیت و ضدانقلاب را.

به این حقیقت تلخ باید اعتراف کنیم که ما در مردم‌شناسی جامعه‌مان ضعیف هستیم و یا شرایط اجازه نمی‌دهد چنانکه باید به احساسات و گرایش‌ها و درددله‌های نیروهای سوخته دل بدرستی توجه کنیم.

این مردم را حضرت امام بدرستی می‌شناختند که تا آخرین نفس از دیدار آنها خسته نمی‌شدند و به آنان عشق می‌ورزیدند و به مسئولان همواره توصیه می‌فرمودند که قدر این مردم را بدانید و رهبر معظم انقلاب با عنایت به این امر خطاب به مسئولان فرمودند: «مسئولین نظام در ایران باید از لحاظ قناعت، زهد و بی‌رغبی به زخارف دنیا سرمشق دیگران باشند و حد آن نیز نوع است. ترغیب جامعه به پرهیز از روحیه مصرف‌گرایی و رها شدن از مظاهر فرهنگ غربی متوقف به عمل ما است و مسئولان کشور باید بی‌رغبتی به تشریفات و تجملات زائد و در یک کلمه بی‌توجهی به دنیا را در عمل به دیگران تعلیم دهند.» سپس با اشاره به گفتار به یادماندنی حضرت امام، فرمودند:

«مردم حقیقتاً ولی نعمت ما هستند و صاحب‌القدر انقلاب هستند آنان با جان و مال و فرزندان خود در جبهه‌های جنگ حضور یافتند و از کشور، نظام و انقلاب دفاع کردند...»

(کیهان، ۱۵ آذرماه ۶۹)

بازی، این مردم از چهره‌های جلف و مظاهر غربی و بی‌بندوبار و عملکرد شکم‌بارگان و مرفهان بی‌درد و غارتگر رنج می‌برند همانگونه که تفکر و آرمان نظام نیز

هماهنگ با مردم است اما مسئله مهم که هم مردم و هم مسئولان با آن مواجهند این است که چه باید کرد؟! حقیقت این است که مردم ذین خود را ادا کرده‌اند و اینک نوبت کارگزاران است. نمی‌گوئیم آنها در ادای دین کوتاهی نموده‌اند، اما می‌گوئیم هنوز آغاز کار آنها است دورانی حساسی است و آزمایشهای سنگین که به نسلهای آینده ما و همه مسلمین الگو و سرمشق خواهد داد. چشم جهانیان به سوی ما دوخته است که تجربه ما در عمل نه در شعار چه خواهد بود. لذا حساسیت و اهمیت مسئله اجازه نمی‌دهد از کنار حوادث بی‌تفاوت بگذریم چرا که ما نمی‌خواهیم فقط زندگی کنیم بلکه می‌خواهیم یک زندگی آرمانی و الگویی داشته باشیم...

ریشه‌یابی مفاسد اخلاقی!

و حال سخن در این است که بالاخره با این مسئله جدی و حساب‌شده که اگر با آن بطور اصولی برخورد نشود آینده خطرناک و دشواری خواهد داشت چگونه باید برخورد کرد؟ معقول و طبیعی آن است که نخست عوامل بازشناخته شود، عواملی که در فرهنگ و اجتماع و سیاست و اقتصاد و تربیت و آموزش و تبلیغات و عملکردها و تجربه‌ها ریشه دارد... این عوامل را باید به بررسی نهاد و گرنه برخورد رفورمیستی و روبنائی نهایتاً چاره‌ساز نیست.

ریاست محترم جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه با اشاره به این موضوع و شعارات مردم علیه بدحجابی و ابتذال اخلاقی، زوی یکی از این عوامل انگشت نهادند که عکس‌العکس‌های مثبت و منفی را بدنبال داشت و ایشان با توضیحی مجدد خاطر نشان

ساختند که مشکل عمده‌ای از زنان و محرومیت‌گریزی است که باید از طر مشرعی ارضا شود و مسئله ازدواج موقت مطرح نمودند که البته در اصل مشرعی مسئله جای گفتگو نیست و ما نیز معتقدیم در یک کشور اسلامی مفهوم ندارد حشرعی، غیرقانونی و معادل با عمل خلاف باشد. ضمن اینکه ازدواج موقت نباید اصل در روابط خانوادگی قرار گیرد. اما مهم است پیشگیری از ضایعاتی است که کنار آن حکم در وضع کنونی جامعه دارد و بداتنها باید توجه داشت مثلاً کرامت شخصیت زن، ثبات نظام خانواده، رخ نکردن تنوع‌جویی در زندگی مردان متأهل تلاشی خانواده‌ها، پیشگیری از ابتذال زن لوث شدن حکم شرعی، عدم سوء استفاده پدر دخترها، سرنوشت کودکان احتمالی متع بالاخره حدود شرعی، قانونی، اجرایی عرفی، خانوادگی و اجتماعی که هر یک مسئله‌ای است حساس و در مجموع نیاز به محاسبه و کارشناسی و دقت و مراقبت همه‌جانبه دارد... از این می‌گذریم. حرف اصلی ما چیز دیگر است.

عوامل اصلی را فراموش نکنیم!

حرف ما این است که آیا مشکل اصلی در مسائل اخلاقی عدم دسترسی به ازدواج موقت است که با حل آن دیگر مشکلات اخلاقی حل شود؟ آیا رفاه‌طلبی، گرایش به فرهنگ ابتذال، غرب‌گرایی، تنوع‌جویی جنسی و مظاهر دیگر فساد به دلیل محرومیت‌گریزی است؟ بهتر است آمار دادگاه‌های خانوادگی و دادسراهای مبارزه با منکرات سخن بگویند. حال بدون اینکه در برابر این حکم شرعی حساسیت و موضع‌گیری داشته باشیم این موضوع را قابل بررسی می‌دانیم که ابتذال

اخلاقی را واقعاً چگونه باید چاره کرد؟! آیا بدون کنکاش از ریشه های فرهنگی، روانی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی و جنگ روانی می توان مسئله فساد و ابتذال را به عنوان یک خطر بالقوه به تحلیل نهاد؟

چرا هزاران پسر و دختر جوان از تشکیل خانواده محروم اند؟ آیا مشکل اقتصادی اینان، مشکل مسکن و اشتغال و اجاره سرسام آور خانه که ساخته و پرداخته سرمایه داران و بورس بازان و زمین خواران و بزرگترین مانع بر سر راه ازدواج است مورد بررسی قرار گرفته؟ جوانی که خانه ندارد و اجاره خانه کمرشکن را هم نمی تواند بپردازد چگونه تشکیل خانواده دهد؟ مادام که مشکل فقر و غنا حل نشود مشکل نسل جوان نیز حل نخواهد شد. برای حل این مشکل سنگین گزینه نیز کارساز نیست چرا که این امر یک گذرگاه احتیاطی است نه یک اصل خانوادگی و اجتماعی، بهر حال توزیع عادلانه امکانات و تأمین مسکن و اشتغال و تجهیزیه و کمک به امر ازدواج و گشودن عقده محرومیت های طبقه محروم و مبارزه با تجمل گرایی و رفاه و احتکار و اشرافیت طبقه مرفه را باید به عنوان یک اصل اساسی تلقی کرد که بسیاری مسائل دیگر به آن منزع است. (من لامعاش له لامعاد له).

این از یکسو، از سوی دیگر همین رفاه زدگان بی درد و تنوع جو هستند که با سفرهای مکرر به خارج و وارد کردن مد و لباس تجمل و آرایش، ابتذال را به ارمغان می آورند و آن گاه در مهمانی ها و پارک ها و خیابانها جلو چشم جوانان به نمایش می گذارند، اینها غرائز سرکوب شده ای هم ندارند، برای مهار اینان چه فکری شده است؟ اینها هستند که مصرف گرایی را بال و پر می دهند، اینها هستند که در روح جوانان

عقده آفرینی می کنند، امروز هم خیالشان راحت است و هم مشکلی ندارند اما خود مشکلی بر سر راه جامعه شده اند، برای برخورد با این فرهنگ چه باید کرد؟

ضعف فرهنگی و اعتقادی

مسئله دیگر، ضعف بنیه فرهنگی این قشر است. چرا اینان بعد از دوازده سال که از انقلاب می گذرد نتوانسته و یا نخواسته اند با ارزشهای اصیل اسلامی منطبق شوند؟ و آیا آنها تنها مقصرند و یا تشکیلات فرهنگی تبلیغی ما هم قصور یا تقصیر دارد؟ بدیهی است که در گرایشات یک جامعه نهادهای تبلیغاتی بویژه رسانه ها نقش تعیین کننده دارند و لذا عصر امروز را عصر ارتباطات و تبلیغات نامیده اند و ماهواره ها ابزاری در دست قوای استکباری درآمده اند... تبلیغات نیز اشکال مختلف دارد، مؤثرتر از همه تبلیغ غیر مستقیم و بکارگیری شیوه های هنری و القاء بر اساس اصول روانشناسی فردی و جمعی و دیگر تخصصهای مربوطه است. حق این است که تبلیغات ما از این نقطه نظر، بویژه بکارگیری هنر و نمایش در ترویج اخلاق و تحقیر ابتذال و رفاه کافی و مؤثر نبوده. مثلاً در همین مسئله بدحجابی که از آن بعنوان سبیل ابتذال یاد می شود، تاکنون چند برنامه هنری در تلویزیون داشته ایم که ضمن کار هنری از ارشاد قوی نیز برخوردار باشد؟! در خصوص حجاب، فلسفه و حدود شرعی آن با همان شیوه یاد شده چه تبلیغی شده جز پاره ای تذکرات موسمی و خشک که آن هم در جمعی مثل نماز جمعه مطرح شده و یا مسئولی در مصاحبه گفته است؟! بعکس، معمولاً سریالها و فیلمها نموداری است از زندگی اشرافی و تجمل گرایی و بی تفاوتی اخلاقی، ظهور زنان هنرمند جوان در کنار

مردان جوان با حرکات جذاب و مشارکت مرد و زن غرق تجمل و آرایش در نقش شاه و ملکه و پادشاه و شوهر و بگومگوهای خانوادگی گرچه نوعی سرگرمی و پسند عده ای باشد، برای نسل متعهد و مؤمن رنج آور است و آن را نوعی ترویج ابتذال و شکستن مرزهای اخلاقی می دانند و حتی در زمان جنگ جوانانی که از تلویزیون این فیلمها را می دیدند با تأثر شدید از مناظر سخت شکایت و گلایه داشتند و آن را بسد آموزی می دانستند...

و اخیر بعنوان تزیینگری از نفوذ آینده ماهواره های خارجی، فیلم ها و سریال هائی با منظره مهیج زنان مکشوفه خارجی و بدحجاب داخلی در ضمن گزارشات از سیروسفرها ارائه می شود که گرچه از یک بعد که نشان دادن سراب زندگی های پوچ است و از این نظر مثبت تلقی می شود اما از سوی دیگر به عقیده برخی خالی از اثر منفی نیست. متأسفانه در برخی فیلم های خارجی و پیا داخلی قسمت هائی در تلویزیون بعنوان تکه های تبلیغاتی پخش می شود که از مصادفحه و معانقه زنان و مردان صحنه هائی دارد که این دیگر کار تازه ای است و اگر این مرد و زن در فیلم داخلی محرم هم باشند اثر نامطلوب آن قابل انکار نیست که هم از آن فیلم ها این قسمت ها باید حذف شود و هم از تلویزیون تبلیغ نگردد و مثلاً در حین رانندگی دختر جوانی سر خود را روی شانه جوانی دیگر می نهد و امثال اینها که اگر روبه توسعه گذارد همه چیز عادی خواهد شد. و بر اینها بیافزاید برخی موسیقی های تند که برای قشر مؤمن مضمثر کننده و تأثر آور می باشد...

در هر حال انتظار نسل مؤمن و انقلابی این است که صدا و سیما نقش بیشتری را در

اصول و ارزشهای انقلاب و آرمانهای والای
امام در جامعه باشند.

دارندگان تفکر بسیجی از چنین موضعی
حشی باید نسبت به مخدوش شدن اصول،
عکس العملهای جدی از خود نشان دهند. در زمینه
سیاست خارجی از آنجا که مسئولین متعهد و عزیز
و دست اندرکاران وزارت امور خارجه کشورمان
به دلیل محدودیتهای عرف دیپلماسی قادر به
انجام پاره ای اقدامات نیستند یا از اتخاذ
بعضی مواضع صریح در برخی مقاطع زمانی خاص
مذورند، بسیجیان می توانند به صورتی دائمی
اصول و آرمانهای انقلاب و امام (س) را به
آنان گوشزد نموده و سیاست خارجی
کشورمان را به سمت اتخاذ یک دیپلماسی
انقلابی سوق دهند. به عنوان مثال ستیز و

دشمنی انقلاب با غرب و شرق به ویژه آمریکا
را یادآوری نمایند و متذکر شوند که به گفته
امام راحلیمان «چه در جنگ و چه در صلح
بزرگترین ساده اندیشی این است که تصور کنیم
جهانخواران خصوصاً آمریکا و شوروی از ما و
اسلام عزیز دست برداشته اند». (۶۷/۹/۲) لذا
باید مراقب بود که مخالفین تفکر بسیجی،
افکار مسموم و منحرف خود در زمینه تجدید
رابطه با غرب و آمریکا را در جامعه اشاعه
ندهند. زیرا در چنین صورتی مشمول این
حکم قاطع امام (س) می گردند:

«هر کس در هر مقام که خیال سازش با
شرق و غرب را داشت، بی محابا و بدون هیچ
ملاحظه ای، او را از صفحه روزگار براندازید که
سازش با شرق و غرب، خود باختگی است و

بقیه از فساد و ابتذال در کجا ریشه دارد؟

نشر فضائل اخلاقی و سازندگی فکر و پیش
فرهنگی جامعه ایفا نموده و از آنچه موجب
تبریح دار شدن احساسات پاک قشرهای
متدین و متعهد است بپرهیزد.

همچنین محیط های آموزشی و بویژه
دانشگاه ها که متأسفانه موهای نیسه افشان
دختران و زنان را می بینیم و آثار نامطلوبی که
بسیار می آورد و در این خصوص مسئولین
دانشگاه ها و نمایندگان ولی فقیه در این
مراکز لازم است با توجه بیشتر کنترل های
اخلاقی لازم را بعمل آورده و از بدحجابی و یا
نفوذ هر عمل خلاف اخلاق بطور جدی مانع
شوند چرا که این مراکز هستند که زیربنای
جامعه فردایند و کارگزاران جامعه آینده را
می سازند.

مسئله الگوها و عملکردها

مؤثرترین نوع تبلیغ، ارشاد عملی است.

خیانت به اسلام و مسلمین است». (۵۸/۱۱/۲۲)

در زمینه مسائل سیاسی داخلی نیز بسیجی
نگرشی صحیح و به دور از پیشداوریهای
خاص نسبت به جریانها، جناحها و افراد،
مبتنی بر اطلاعات و اخبار موثق و مطمئن باید
داشته باشد و میزان تعهد و تقید هر یک از آنها
را نسبت به اصول و ارزشهای اسلام ناب
محمّدی (صلی الله علیه و آله) و خط امام دقیقاً
می سنجد.

اینها تنها چند مورد خلاصه و مجمل
پیرامون مبانی تفکر بسیجی بود که انشاء الله
تعالی در فرصتهای بعد به موارد دیگری در این
زمینه اشاره خواهد شد.

ادامه دارد

مربیان خود باید بهترین ها باشند و ارستگان از
هوی و تجمل و رفاه ... که در غیر این
صورت همه سخن ها نقش بر آب خواهد بود.
این را نباید ساده گرفت اعمال و رفتار ما زیر
ذره بین است و پیش از آنکه خود متوجه باشیم
جامعه توجه دارد. انتظار جامعه و امت فداکار
این است که ما بهترین الگوها برای آنان
باشیم و تجربه انقلاب اسلامی را با موفقیت و
سربلندی به دیگران منتقل کنیم. همانگونه
که امام امت رضوان الله علیه همواره با نصایح
مشفقانه مسئولان را نصیحت می فرمودند و این
نصایح باید همواره جلو چشم ما باشد. ما که
سالها در کنار امام عظیم الشان بودیم، پشت
کردن به دنیا و پرهیز از تجمل و رفاه را باید از
او فرا گرفته باشیم. آنچه امام را امام ساخت
علاوه بر ویژگی علمی و درایت بی نظیر،
وارستگی و روش زاهدانه و اسوه جهاد و
اخلاق و عمل بود که آشنا و بیگانه و حتی
عناصر غیر مسلمان و ناظران خارجی را تحت
تأثیر قرار می داد. اگر روح تجمل گرایی و

بالانشینی و رفاه طلبی در روح ما رخنه کند از
قافله اجتماع عقب خواهیم ماند و حرف ما بر
دلها نمی نشیند و افرادی اعتقادی اعتقادتر و
معتقدین تیز مست خواهند شد و اثر طبیعی آن
رنخه روح مادی گری در دیگران است. از
سوی دیگر تنازع ها و تضام هاست که ما به
آثار نامطلوب و عدم اعتمادی که در دلها
باعث می شود هرگز توجه نکرده ایم! می دانیم
هوی و دنیا زدگی شون مختلف دارد من و
ماها هم از شون آن است اگر این روحیه
حاکم شد و اخلاص و هضم نفس در جهت
ساختن انسان ها را تحت الشعاع قرار داد،
بی شک دیگران را در معصیت و فساد جری تر
خواهد کرد و خواهند گفت: شما به نوعی
گرفتار دنیا هستید و ما به نوعی دیگر!!
بنابراین بیش از هر چیز باید بر عمل تکیه
کنیم و خود را فدای مصالح اسلام و تربیت
دیگران بنمائیم که بهترین عامل باز دارنده
عمل است و نه گفتار...

ادامه دارد